

به مناسبت چهلمین سالگشت درگذشت احمدبهار

اسنادی از زندگی سیاسی-فرهنگی احمدبهار

غلامرضا سلامی

شهید سیدحسین مدرس آشنایی و ارتباط نزدیکی حاصل نمود. این ارتباط بعد از دستگیری و تبعید شهید مدرس بطور پنهانی ادامه یافت؛ چنانکه آخرین نوشته‌ای که از مدرس بدست آمده، نامه‌ای است که او از زندان خواف به احمدبهار نوشته و طی آن از شرایط ناگوار زندان و نداشتن وسایل لازم برای خواب و تغذیه شکایت کرده است. در نتیجه بهار از طریق فرمانده لشکر «امان‌الله میرزا جهانبانی» موضوع را تعقیب و در شرایط زندان مدرس بهبود نسبی حاصل می‌شود.^(۲)

اقامت بهار در تهران با ظهور رضاخان و زمزمه تغییر سلطنت مقارن گشت. وی به اتفاق ملک‌الشعراى بهار، میرزاده عشقی و غلامرضا رشید یاسمی بر ضد دست‌اندر کاران تغییر قانون اساسی مجدانه مبارزه کرد. مقالات و اشعار این گروه در روزنامه قرن بیستم و یا بطور جداگانه چاپ و توزیع می‌شد. از جمله احمدبهار به مناسبت جلوس رضاخان ماده تاریخ ذیل را سرود:

آه از این سرباز پیر انگلیسی
خواستم سال جلوسش را ز نادر
سر زقبر خود برون آورد و گفتم
این غلام سر بیزیر انگلیسی
نادر آن خصم شهیر انگلیسی
گشت ایرانی اسیر انگلیسی^(۳)

از دیگر مشکلات احمدبهار، دستگیری‌اش به علت هم‌سویی با کلنل محمدتقی خان پسیمان بود. کنسولگری انگلستان در مشهد طی گزارش‌های مربوط به اکتبر ۱۹۲۱ درباره احمدبهار و روزنامه‌اش می‌نویسد: «روزنامه بهار نیز در شماره بیستم سپتامبر خود با درج شعر طولانی و بلندبالایی سیاست بین‌المللی و همچنین سیاست و عملکرد ما را در ایران سخت مورد انتقاد قرار داد. بدون شک این مطالب و عناوین درشت پس از تأیید کلنل محمدتقی خان به چاپ می‌رسد.»^(۴)

زنده یاد احمدبهار در اسفند ۱۲۶۸ ش. در مشهد متولد شد. وی تحصیلات خود را نزد استادانی چون حاج میرزا محمدباقر مدرس و شیخ عبدالجواد ادیب‌نیشابوری در مدارس فاضل‌خان و خیراتخان مشهد به انجام رساند. در فقه و اصول محضر استادان نامدار زمان خود را درک و مدتی در کربلا و نجف و تهران تحصیلات خود را دنبال نمود تا آنجا که در الهیات در حد اجتهاد و در ادبیات، نویسنده و شاعری توانا شد.

بهار یکی از بنیانگذاران انجمن ادبی خراسان بود که ادیبانی مانند محمدتقی بهار (پسر عم احمدبهار)، ایرج میرزا، بدیع‌الزمان فروزانفر و سیدحسین مشکان طبسی در آن شرکت داشتند. مجله دبستان ناشر افکار و آثار اعضای انجمن مذکور بود.

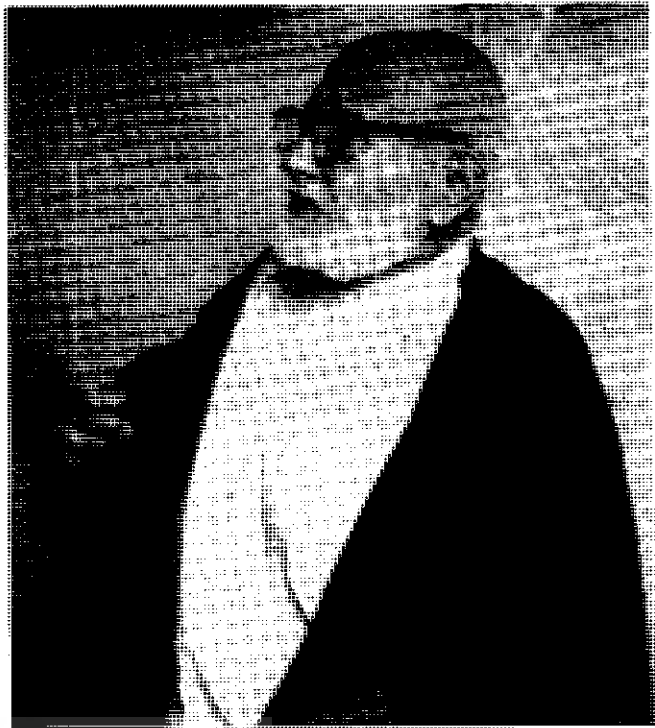
جوانی بهار با انقلاب مشروطیت و نهضت آزادیخواهی مصادف بود. او بنابر گرایشهای سیاسی خود در پیدایش حزب دموکرات در خراسان و تقویت آن حزب سهم بسزایی داشت.

وی در سال ۱۲۹۶ ش. با انتشار روزنامه بهار مبارزات ضد استعماری خود را تشدید و با انتشار مقالات صریح و اشعار سیاسی در تهییج و هدایت افکار مردم خراسان برای مقاومت در مقابل بیگانگان فعالیت خود را پی گرفت. بدنبال فعالیت بهار بر ضد قرارداد ۱۹۱۹ م. و انتقادش علیه وابستگان سیاست انگلستان در ایران روزنامه وی به دستور والی وقت خراسان (احمد قوام‌السلطنه) توقیف شد.^(۱) خود وی نیز پس از ۴۵ روز حبس در کاروانسرای هندیها در مشهد به تهران اعزام و از آنجا به خارج از کشور (مناطق قفقاز و عثمانی) تبعید گردید.

بهار در ایام تبعید همچنان به فعالیتهای خود ادامه داد و از استانبول مرتباً اشعار و مقالات سیاسی خود را برای جراید تهران می‌فرستاد تا اینکه سرانجام مخفیانه به ایران بازگشت و مدتی طولانی در تهران ماند و با انتشار مقالات و اشعار خود به مبارزه ادامه داد. در این دوران است که با

سال ۱۳۲۲ یک روز در میان چاپ می‌کرد. (۶)

وی در دوره نخست وزیری قوام السلطنه ابتدا به ریاست اداره اطلاعات و مطبوعات نخست وزیری منصوب شد و سپس به عنوان منشی مخصوص نخست وزیر مشغول به کار گردید. در دوران نخست وزیری دکتر مصدق نیز به سمت رئیس کل دفتر نخست وزیر منصوب شد، ولی بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ از نخست وزیری خارج و تا پایان عمر به خدمت در وزارت فرهنگ مشغول بود تا آنکه در پنجشنبه ۱۴ بهمن ۱۳۳۶ بدنبال بیماری قلبی در بیمارستان بازرگانان درگذشت و در صحن ابن بابویه در کنار آرامگاه شهدای ۳۰ تیر مدفون گشت. (۷)



پانوشتها:

- ۱- ر.ک: اسناد شماره ۱ تا ۳. از کتاب: اسنادی از مشاهیر ادب معاصر ایران که به کوشش علی میرانصاری گردآوری و تنظیم شده است، برگرفته ایم.
- ۲- ر.ک: حسین مکی، مدرّس قهرمان آزادی (تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۹) ج ۲ - ج ۲، ص ۷۸۰.
- ۳- حرف (ق) که اولین کلمه «قبر» است؛ منهای مصرع آخر به حساب ابجد معادل ۳۴۴، سال جلوس رضاخان به تخت سلطنت می‌باشد.
- ۴- ر.ک: غلامحسین میرزا صالح (گرد آورنده و مترجم)، جنبش کلنل محمدتقی خان پسیان بنابر گزارشهای کنسولگری انگلیس در مشهد (تهران، نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۶) ص.ص ۱۰۲ و ۸ - ۱۰۵.
- ۵- ر.ک: اسناد شماره ۴ تا ۲۲.
- ۶- ر.ک: اسناد شماره ۲۳ تا ۳۴.
- ۷- در تهیه زندگینامه احمدبهار از مقدمه دیوان اشعار او سود فراوان بردم. (دیوان اشعار شادروان شیخ احمدبهار... تهران - ۱۳۷۰)
- در باره احمدبهار و روزنامه بهار به جز اسناد ارائه شده در این مقاله، پیش از این ۱۴ سند در کتاب ذیل منتشر شده است:
کاوه بیات و مسعود کوهستانی ژاد (به کوشش)، اسناد مطبوعات (۱۳۲۰ - ۱۲۸۶ ه.ش) (تهران - سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۲) ج ۱ - ص.ص ۳۰۶ - ۲۹۸.

همچنین در پی واقعه خونین مسجدگوه رشاد (تیر ۱۳۱۴) با توجه به روابط نزدیکی که بهار با مرحوم آیت... آقازاده و مرحوم آیت... حاج آقا حسین طباطبایی قمی داشت، ضمن دستگیری علمای فوق؛ احمدبهار در ۲۷ تیر ۱۳۱۴ دستگیر و روزنامه اش هم «حسب الامر نظر به مقتضیاتی» در ۱۴ مرداد همان سال توقیف شد. پس از آن وی به مدت ۲۰ ماه در توقیفگاه لشکر شرق و زندان قصر محبوس گردید و بعد از سپری شدن مدت زندان به تهران تبعید شد. در اثر این حبسها و تبعیدها رشته اقتصادی زندگی اش گسیخته گردید و پیوسته دچار مخاطره بود. (۵)
بعد از شهریور ۱۳۲۰، بهار مجدداً روزنامه خود را در تهران منتشر و تا

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
سند شماره ۱

وزارت جلیله معارف و اوقاف - ریاست معارف خراسان سواد دستخط توقیفی ایالت کبری - به تاریخ ۴ شهر رمضان ۱۳۳۷

اداره نظمیة خراسان

نظر به اینکه مکرر به مدیر روزنامه بهار نصیحت داده شده است که مقالات روزنامه خود را به مناسبت اقتضای وقت و موقع نوشته و از باره ای [تندروپها که مخالف مقتضیات مملکتی است احتراز جوید و به ملاحظه اینکه کراراً به اجرای نصایح فوق تعهد نموده و پس از چندی تعهدات خود را نقض نموده است لهذا غدقن می‌شود مشارالیه را از طبع و انتشار روزنامه ممنوع و روزنامه بهار را توقیف نموده و مدلول این ورقه را به اطلاع او برسانید.

قوام السلطنه

آقای کمیسر مرکزی - سواد مرقومه ایالت کبری را راجع به توقیف روزنامه محترمه بهار، لفا ارسال می‌دارم که مدلول آن را به موقع اجرا گذارید.

از طرف رییس کل تشکیلات نظمیته خراسان - شویرک
[معارف (ج) ۱- ۵۸۰۰۵]

سند شماره ۲

وزارت جلیله معارف و اوقاف - ریاست معارف خراسان - سواد مشروحه مدیر بهار - به تاریخ ۱۷ برج جوزا ۹۸ [۱۲]

اداره جلیله نیله معارف خراسان دام بقائنها

البته خاطر شریف مستحضر است که در لیله چهارشنبه سوم شهر جاری از طرف نظمیته حسب الامر فرمانفرمای جلیل خراسان، روزنامه بنده توقیف شده. چون مسئولیت بنده همیشه در مقابل وزارت جلیله معارف و حدود قانون مطبوعات بوده به موجب التزامی که در موقع صدور امتیاز روزنامه به آن وزارتخانه سپرده‌ام مطلبی که توقیف یک روزنامه را ایجاب نماید، در صفحات روزنامه خود نمی‌یابم. بنابراین تمنا دارم علت توقیف روزنامه بنده را اگر می‌دانید مرقوم دارید و اگر نمی‌دانید پس از تحقیق مطلع فرمایید و این را که می‌گویند بنده تعهدات خود را نقض کرده‌ام بنده تعهدی به غیر از اجرای مواد قانون مطبوعات با کسی نکرده‌ام. فقط یک تعهد اخلاقی با فرمانفرمای معظم خراسان داشته‌ام که عبارت از عدم نشر مطالب بر ضد دولت فخریمه انگلیس باشد و تصور نمی‌کنم کسی در صفحات روزنامه بنده برخلاف این عهد سطرپی پیدا کند.
در خاتمه مزید صبر و حوصله آن اداره محترمه را در مقابل نقض قوانین موضوعه معارفی از درگاه خداوند مسئلت می‌نمایم.

مدیر بهار: احمد

سواد مطابق اصل است.

[معارف (ج) ۱- ۵۸۰۰۵]

سند شماره ۳

وزارت جلیله معارف و اوقاف - اداره معارف خراسان - نمره ۲۸۶ - مورخه ۹ شهر رمضان سنه ۱۳۳۷ - مطابق ۱۸ برج جوزا قوی نیل ۱۲۹۸

مقام منبع وزارت جلیله معارف و اوقاف دامت شوکته

ذیل معروضه نمره ۱۱۱ به استحضار خاطر مبارک رسانید که شهر مشهد دارای پنج روزنامه می‌باشد. در میان آنها از همه مهمتر و مفیدتر روزنامه بهار است که از تاریخ انتشار اولین شماره آن تاکنون همواره با کمال بی‌طمعی و عفت روزنامه‌نگاری به وسیله یک سلسله مقالات سودمند به نشر معارف تهذیب اخلاق و تنویر افکار پرداخته و از این راه خدمات شایانی به اهالی ایالت باوسعت خراسان نموده است. بدون ملاحظه و اغراق گویی عرض می‌کنم روزنامه بهار در عین این که شعبه [ای] از معارف است به واسطه خدمات شایانی که به مدارس و سایر موسسات علمیه نموده همیشه رکنی برای معارف خراسان بوده است. این روزنامه تا سه روز قبل به طبع می‌رسید. پس از انتشار شماره (۷۱) از طرف مقام ایالت کبری مستقیماً به توسط اداره نظمیته توقیف گردید.

با اطلاعاتی که فدوی از جریان امور خراسان دارد در مندرجات شماره (۷۱) دقت نموده چیزی به نظر فدوی نرسید که موجب توقیف روزنامه باشد. محض استحضار خاطر مبارک شماره (۷۱) روزنامه را به ضمیمه سواد دستخط توقیفی مقام ایالت کبری لفاً تقدیم می‌دارد. چنان که ملاحظه می‌فرمایند در توقیف نامه هم کلیاتی ذکر شده که هیچ قانوناً بدون تصریح سبب توقیف یک روزنامه آزاد نمی‌تواند بشود. از طرف دیگر توقیف بدون محاکمه و مستقیم آن هم در مدت غیر معلوم موافق قانون مطبوعات نیست. نظر به این که در دستخط مبارک ذیل نمره ۵۱۴۱ فدوی را حافظ قانون مطبوعات و ناظر بر جراید محلی قرار داده‌اند مراتب را به استحضار خاطر وزارت جلیله رسانده، استدعا دارد به این موضوع عطف توجهی فرموده رفع توقیف و جبران این لطمه معارفی را هر طور مقتضی بدانند بفرمایند که موجب مزید امیدواری فدوی و سایر مدیران جراید و عموم معارف‌خواهان بشود. در خاتمه معروض می‌دارد مدیر بهار شرحی به اداره نوشته سبب توقیف روزنامه خود را سؤال نموده، محض استحضار خاطر مبارک سواد آن را لفاً تقدیم حضور مبارک می‌دارد.

فدوی [امضا ناخوانا] [مهر اداره معارف خراسان]

[حاشیه]: اداره مطبوعات - اقداماتی در رفع توقیف بهار شده است و البته پس از حصول نتیجه به اطلاع آقای رییس معارف خواهد رسید.

[معارف (ج) ۱ - ۵۸۰۰۵]

سند شماره ۴

وزارت جنگ - ارکان حرب لشکر شرق - ضمیمه دوسیه ۸۸ ورقه - مورخه ۱۳۱۴/۵/۷ - نمره ۱۴۹۳ - مینوت

مقام منبع بندگان حضرت اجل فرمانده معظم لشکر شرق دامت عظمت

(راپرت) با کمال احترام به عرض مبارک می‌رساند: حسب الامر مبارک یک سلسله تحقیقات عمیقانه از شیخ احمد مدیر روزنامه بهار به عمل آمده، خلاصه آن را با تقدیم عین دوسیه متشکله ذیلاً معروض می‌دارد:

اولاً شیخ احمد مزبور اظهار می‌دارد که از دیرزمانی با حاجی حسین قمی آشنایی داشته و حتی در هفت سال قبل مبلغ دویست و پنجاه تومان بابت دیون شرعی خود (خمس و سهم امام) و در چهار - پنج سال قبل یک قطعه زمین از همین بابت که چهار هزار تومان ارزش داشته به مشارالیه داده و در یک سال و نیم قبل هم حاجی حسین قمی به وسیله مشارالیه مبلغ دو هزار تومان از بانک پهلوی استقراض نموده است ولی موضوع دیدن ائمه را در خواب مبینی بر این که برای حاجی حسین خانه بخرد به کلی تکذیب می‌نماید. ثانیاً شیخ احمد بهار به مکه رفته بوده است و دو ماه و نیم قبل معاودت نموده اظهار می‌دارد در این مدت فقط دو مرتبه به دیدن حاجی حسین قمی رفته. دفعه اول به منظور بازدید، در دفعه ثانی برای یادآوری در تسریع پرداخت طلب بانک که مکرر تجدید شده بود و بانک مطالبه می‌نموده است رفته بوده که ضمن مذاکرات با حضور جمعی حاجی حسین قمی به مشارالیه اظهار داشته که چون من در مجلس درس راجع به کلاه و حجاب صحبت‌هایی کرده‌ام و راپرت آن را به نظمیته داده‌اند و حالیه خود این جانب و واردین و خارجین منزل من در مراجعت مفتشین آن اداره واقع می‌باشند برای رفتن تهران استخاره کرده‌ام. حالیه شما خدمت ایالت جلیله رفته عرض کنید برای این که مفسده یا هیاهویی نشود؛ من بطور محرمانه عازم تهران هستم که در آنجا عرایض خود را به خاکپای جواهر آسای اعلیحضرت همایونی ارواحنا فداه حضوراً معروض، اگر مورد قبول ملوکانه واقع گردید نعم‌المطلوب والا به وظیفه خود عمل نموده‌ام. شیخ احمد پیغام فوق را همانطور به عرض ایالت جلیله رسانده و به کلی منکر ملاقات محرمانه با حاجی حسین می‌باشد و نیز شهادت احدی را حتی حاجی محمدباقر گماشته حاجی حسین را در این خصوص قبول ندارد. ثالثاً راجع به ملاقات و داشتن هر گونه ارتباط با قنسولهای خارجی به کلی منکر و اظهار می‌دارد اگر دو نفر شهادت بدهند که مومی‌الیه با آنها رابطه داشته است برای هر گونه مجازات حاضر است.

در خاتمه معروض می‌دارد طبق اظهارات مشارالیه از یازدهم تیرماه به عنوان بیلاق به ملک شخصی خود به عنبران رفته بوده، در روز ۱۹ تیرماه بر حسب احضار مالیه برای گرفتن ملک ایشیاعی خود سرچنگل به مشهد آمده و در روز ۲۲ مجدداً به عنبران مراجعت کرده و ضمناً در

تفتیش منزل مسکونی مشارالیه در شهر و غیر آن [که] با حضور خود فدوی و دونفر مفتشین تأمینات نظمیه به عمل آمده مدارکی که به وسیله آنها اتهامات وارده را بتوان تعقیب و ثابت نمود بدست نیامده. راپرتاً معروض گردید که هر نوع امر و مقرر فرمایند اجرا شود. فقط یک فقره یادداشت به خط عبدالباقی برادر شیخ احمد بهار به تاریخ ۱۴ تیر کشف که در آن نوشته شده است «امروز عصر تلفن کردند که آقای بهار هستند یا خیر؟» تلفن کننده معلوم نیست ولی خود شیخ احمد و برادرش عبدالباقی نویسنده یادداشت و محمدرضا...^{*} حامل یادداشت متفق‌الرای اظهار می‌دارند تلفن از اداره نظمیه شده و عبدالباقی اظهار می‌دارد بر اثر تلفن به تأمینات رفته و سؤال نموده که کاری دارید حاضر شود. آقای رییس تأمینات جواب دادند: کاری نداریم.

طی نمره ۲۲۲۴ - [تاریخ] ۱۳/۵/۹ [از اداره نظمیه راجع به اظهار مومی‌الیه تحقیق شده جواب داده‌اند که شیخ احمد از طرف اداره نظمیه تلفوناً احضار نگردیده و به طوری که عبدالباقی اظهار داشته که در همان روز برای تحقیق مطلب به آن اداره مراجعه نموده، چون مدتی از تاریخ آن می‌گذرد؛ رییس تأمینات و دادرسی مراجعه ایشان را در نظر ندارد. راپرتاً معروض گردید که هر نوع امر و مقرر فرمایند اجرا شود.

مدعی‌العموم دیوانحرب لشکر ۹ شرق: سرگرد مشیری

• یک کلمه ناخوانا

سند شماره ۵

ایالت خراسان - سواد مراسله نظمیه - نمره ۲۳۵۵ - مورخه ۱۳/۵/۱۶ [۱۳] - محرمانه

حسب‌الامر نظر به مقتضیاتی از تاریخ ۱۳/۵/۱۴ [جریده بهار توقیف گردید.

رییس نظمیه ناحیه شرق: سرهنگ نوایی

سند شماره ۶

سواد مراسله نمره ۸۷۱۷ - [تاریخ] ۱۳/۵/۲۳ [۱۳] - ایالت

اداره نظمیه ناحیه شرق

سواد مشروحه طاهره خانم حسینی عیال حاج احمدبهار برای اطلاع لفاً ارسال می‌شود.

والی ایالت خراسان

سواد مشروحه طاهره خانم

قریب ۲۵ روز است که زوج کمینه طاهره خانم حسینی؛ آقای حاج شیخ احمدبهار را دستگیر و بدو در گارد توپخانه توقیف و اخیراً نقل به محبس عمومی نظمیه نموده و در اطاق نمره یک با نهایت سختی توقیف هستند و ابدأ نمی‌گذارند کمینه با بچه‌های صغیر ایشان را ملاقات نمایند. به علاوه چند روز است روزنامه بهار را هم بدون محاکمه و صدور حکم از مرجع قانونی از طرف اداره نظمیه توقیف نموده‌اند که، عجلتاً به واسطه این توقیف تمام امورات زندگی مشارالیه معوق و قریب به سی‌خانوار اجزا و کارکنان روزنامه بلا تکلیف و برای مخارج یومیه سرگردان هستند و معلوم نیست تقصیر شوهر کمینه چیست و چیزی که از خارج و داخل معلوم است بعضی اشخاص که سابقه عداوت شخصی با مشارالیه داشته‌اند، اشتباه کاری نموده و بدون جهت موجبات بدبختی مشارالیه را فراهم نموده و در مملکت قانونی؛ سلب آزادی از

شخص ایشان و روزنامه بهار نموده‌اند و جمعی را بی‌معاش کرده‌اند. لذا از مقام محترم که در حقیقت نماینده شخص شیخین بندگان اعلیحضرت قدر قدزت همایونی در حوزه شرق می‌باشید با نهایت عجز استدعای عاجزانه دارم به نام حفظ قانون؛ علت این توقیفات غیر عادلانه را تحقیق فرموده و زودتر موجبات آسایش زوج کمینه را فراهم فرمایید زیرا با بودن شخص حضرت اشرف بایستی حقوق مردم بهتر محفوظ بوده و به صرف اغراض شخصی سلب آزادی از اشخاص و مؤسسات در دوره عدالت‌پرور اعلیحضرت اقدس همایونی بدون اثبات تقصیر تاکنون در مشهد سابقه نداشته است.

۲۱ مرداد ۱۳۱۴ [۱] - کمیته طاهره‌حسینی

سند شماره ۷

ایالت خراسان - سواد مراسله شهربانی - نمره ۲۵۴۸ - مورخه ۱۴/۵/۲۸ [۱۳] - محرمانه

عطف به نمره ۸۷۱۷ - [تاریخ] ۱۳/۵/۲۳ [۱۳] به طوری که خاطر مبارک مستحضر است شیخ‌احمدبهار از طرف لشکر توقیف است.

رییس نظمی ناحیه شرق: نوایی

سند شماره ۸

محبس نظمی مشهد - نویسنده: شیخ‌احمد - پسر: شیخ‌محمدکاظم - مورخه ۸ اردیبهشت ۱۳۱۵

ریاست محترم اداره کل شهربانی شرق

محترماً معروض می‌دارد: از روز ۲۷ تیر ماه ۱۳۱۴ در عنبران توسط یاور محسن خان صاحب‌منصب لشکر شرق توقیف و هفده روز در قراولخانه قسمت توپخانه لشکر بوده و تحقیقات لازمه از طرف مدعی‌العموم و مستنطق دیوان‌حرب تکمیل و از تاریخ ۱۱ مرداد ۱۳۱۴ به زندان شهربانی خراسان انتقال داده‌اند و تاکنون قریب ده ماه است که بلا تکلیف و متحیرم و علاوه بر آن که تمام امورم از هم گسیخته و متلاشی شده، دوازده هزار تومان مقروضم و اهل و عیال و چهار اولادم بیچاره‌اند و خودم مریض شده و تحت معالجه نیز می‌باشم و چنانچه حضوراً معروض داشتم تا هنگامی که تکلیف قطعی بنده اعم از تبرئه یا نعوذبالله غیر آن روشن شود در صورت مجوز قانونی تحت التزام یا کفالت یا توقف در قراء اطراف مشهد یا هر طریق که صلاح بدانید امر به استخلاص مخلص صادر فرمایید زیرا به طور خلاصه عرض می‌کنم که از هر جهت و هر بابت از بین خواهم رفت و البته نظر به سوابق معارفی بنده، از این درجه مساعدت مضایقت نخواهند فرمود و نعوذبالله اگر برای بنده گناهی معتقدند، در برابر طول مدت زندگانی سیاسی و معارفی و روزنامه‌نویسی خود خدماتی هم به این مملکت کرده‌ام که تجویز این درجه ارفاق را به این جانب بنماید.

مخلص: [امضای احمدبهار]

[امضای مدیر زندان]

[حاشیه ۱]: مشارالیه طبق یادداشت صادره مورخه ۱۳/۵/۱۱ [۱۳] دایره اطلاعات توقیف است.

[حاشیه ۲]: عیناً به ستاد لشکر ارسال شود.

سند شماره ۹

ستاد لشکر ۹ شرق - نمره ۵۰۲۲/۹۶۱ - تاریخ ۱۵/۲/۱۷ [۱۳] - ضمیمه: ۱ ورقه

وزارت جنگ

راپرت، محترماً در تعقیب نمره ۱/۲۹۸۲۱/۳۶۳۸ - [تاریخ] ۱۴/۱۱/۱۵ [۱۳] سواد عرضحال احمدبهار که از زندان شهربانی ارسال داشته بدین وسیله تقدیم می‌گردد.

کفیل فرماندهی لشکر نمره ۹ شرق

سند شماره ۱۰

وزارت جنگ - ستاد لشکر ۹ شرق - سواد تصدیق طبیب زندان شهربانی ناحیه شرق - مورخه ۱۳۱۵/۲/۲۶ - نمره ۱۴۶

آقای مدیر زندان

احمدبهار به روماتیسم سخت مبتلا و سه روز است تب می‌کنند. اگر به همین منوال بمانند موجب طول مرض شده و ممکن است خطری ایجاد نماید.

امضای بقراط پزشکی

[حاشیه]: سواد مطابق اصل است. [امضا]

سند شماره ۱۱

وزارت داخله - تشکیلات کل نظمیه مملکتی - ناحیه شرق - سواد راپرت زندان - نمره ۱۰۱۸ - مورخه ۲۶/اردیبهشت/۱۳۱۵

محترماً عین راپرت نمره ۱۴۶ - [تاریخ] ۱۵/۲/۱۷ [۱۳] صحیح زندان راجع به شیخ احمدبهار که از طرف دایره اطلاعات توقیف است تقدیم می‌دارد تا مطابق امر صادره رفتار گردد.

مدیر زندان: سلطان بردبار

[حاشیه]: سواد مطابق اصل است با اصل [امضا]

وزارت جنگ - ستاد لشکر ۹ شرق - سواد عرضحال احمدبهار پسر محمدکاظم - مورخه ۱۳۱۵/۳/۶ -
مکتوب ضمیمه ۴۸۸۷/۱۳۲۲ شهربانی

بسم الله الرحمن الرحيم - ریاست محترم اداره کل شهربانی

محترماً معروض می‌دارد: کسالت بنده طبق تصدیق طبیب زندان به واسطه رماتیسم و بواسیر ادامه پیدا کرده و عیالم در خارج مریضه است. در عین بی‌گناهی و بی‌تقصیری از هر جهت سزاوار ندانید به رایگان خودم و عیالم از بین رفته و با مبالغ خطیری قرض اولادم نیز بدبخت شده و حقیقتاً در پیشگاه عدل الهی و عرصه بازخواست اخروی به کسوت مظلومیت محسوس باشم. بنده صریحاً عرض می‌کنم که هیچ گناهی نکرده‌ام. با آنکه مظلوم صرف می‌باشم نزدیک یازده ماه حبس شده‌ام و گمان می‌کنم اگر کسی نعوذبالله گناهکار باشد، بیش از این محبوس نشده و هزار یک بنده متضرر نخواهد شد. لذا از آن مقام محترم متمنی است شخصاً استغاثه مظلومانه این بنده را به هر بیان و تقریری که صلاح می‌دانند به خاکپای همایون شاهنشاهی و الاحضرت ولیعهد همایون ولایتعهد رسانیده و اسباب استخلاص و مرهونیت بنده و خانواده‌ام را فراهم فرمایند.

امضا - مخلص احمدبهار

[حاشیه ۱]: مشارالیه از تاریخ ۱۳۱۴/۵/۱۱ طبق یادداشت شعبه اطلاعات توقیف است. مدیر زندان [امضا]

[حاشیه ۲]: زندان، عیناً به ستاد لشکر ارسال شود.

[حاشیه ۳]: سواد مطابق اصل است. [امضا]

وزارت داخله - تشکیلات کل نظمیه مملکتی - نظمیه ناحیه شرق - دائره سرکلانتری - شعبه دفتر -
موضوع: ارسال سواد راپرت با دو ورقه ضمانت - به تاریخ ۱۳۱۵/۳/۶ - نمره ۴۳۹۰/۹۶۱ - ضمیمه:
دو ورقه

اداره ستاد لشکر نمره ۹ شرق

سواد راپرت نمره ۱۰۱۸ زندان و یک ورقه تصدیق طبیب اداری مربوط به مریض بودن احمدبهار جهت اطلاع و اقدام مقتضی لغاً ارسال می‌شود.

از طرف ریاست شهربانی: یاور همایونقال

ستاد لشکر ۹ شرق - نمره ۶/۷۷۵۴ - ۱۴۵۵ - تاریخ ۱۳۱۵/۳/۱۱ - ضمیمه: ۱ ورقه

وزارت جنگ

محترماً پیرو نمره ۵۰۲۲/۹۶۱ - [به تاریخ ۱۳۱۵/۲/۱۷] معروض می‌دارد: طبق مراسله نمره ۴۳۹۰/۹۶۱ - [به تاریخ ۱۳۱۵/۳/۶]

شهربانی ناحیه شرق متضمن سواد تصدیق طیب زندان، احمدبهار سخت مریض؛ اینک با تقدیم سواد تصدیق طیب مستدعی است امر و مقرر فرمایند مقتضیات رأی مبارک را ابلاغ دارند.

کفیل فرماندهی لشکر نمره ۹ شرق

سند شماره ۱۵

ریاست محترم اداره شهربانی مشهد

محترماً معروض می‌دارد: اخوی، آقای بهار حالشان اخیراً خیلی سخت شده و مبتلا به امراض بواسیر و روماتیسم و بعضی کسالت‌های دیگر شده‌اند که طبق تصدیق طیب رسمی اداره شهربانی بایستی معالجه و عمل شوند و در غیر آن بیم خطر جانی می‌رود. لذا از آن ریاست محترم استدعای عاجزانه دارم با قید هر قسم کفیلی که می‌خواهید اجازه فرمایید. مشارالیه را مرخص نمایند که در منزل تحت عمل و معالجه قرار گیرند. موجب مزید تشکر و اطمینان است.

به تاریخ ۶ خردادماه ۱۳۱۵ - فدوی: عبدالباقی طهرانی [امضا]

سند شماره ۱۶

وزارت داخله - تشکیلات کل نظمیه مملکتی - نظمیه ناحیه شرق - دائره سرکلانتری - شعبه دفتر -
موضوع: ارسال مشروح عبدالباقی طهرانی - به تاریخ ۱۳۱۵/۳/۲۰ - نمره ۵۱۷۶/۱۱۳۳ -
ضمیمه: ۱

اداره ستاد لشکر نمره ۹ شرق

تعقیب نمره ۴۳۹۰/۹۶۱ اینک عین مشروح عبدالباقی طهرانی اخوی شیخ احمدبهار جهت اطلاع لفاً ایفاد می‌شود.

رییس شهربانی ناحیه شرق: سرهنگ نوایی [امضا]

سند شماره ۱۷

وزارت جنگ - نمره عمومی ۳۵۷۰۰ - نمره خصوصی ۷۱۰۷ - به تاریخ ۱۳۱۵/۴/۱۶

اداره کل شهربانی

متعاقب نمره ۴۶۱۰/۲۵۴۵۳ - [تاریخ] ۱۳۱۵/۳/۱۶ به طوری که از لشکر نمره ۹ شرق راپورت می‌دهند و دوسیه موجوده برعلیه شیخ احمدبهار مدیر روزنامه بهار مشهد حاکی است در مورد اتهام مشارالیه راجع به ملاقات با قعی و بلوای خراسان، سیدمختار کاشی و عباس آقا پسرش که از بستگان بهار می‌باشند در قضیه مزبوره دخیل و به تصدیق شهربانی شرق؛ اثاثیه و چادر به مسجدیها داده و عباس آقا نیز جزو دسته اشرار بوده و در این مورد نخست به دونفر مذکوره دوسیه در شهربانی شرق تشکیل و موجود می‌باشد. علیهذا مقتضی است قدغن فرمایید دوسیه‌های رسیده را به سرهنگ ۲ کهن معاون مدعی العموم ارتش که در مأموریت شرق است، شهربانی مشهد به سرهنگ ۲ مشارالیه

کفیل وزارت جنگ - ۱۳۱۵/۴/۱۰

سند شماره ۱۸

ستاد لشکر ۹ شرق - مورخه ۱۳۱۵/۶/۴ - نمره ۵۰

اداره ایالتی خراسان

نظر به این که حسب الامر وزارت جنگ مقرر است در مورد دوسیه اتهامیه شیخ احمدبهار مطالعات لازمه شده؛ نظر نهایی خود را راپورت نماید، با مطالعه دوسیه عمل و اطلاعاتی که به دست آمده چون در همین امر از طرف والی ایالت راپورت قضیه معروض آمده ضروری می‌داند دوسیه مربوطه به این عمل که در آن اداره موجود است؛ تحت مطالعه قرار؛ سپس نظر خود را معروض دارد. علیهذا متمنی است مقرر فرمایند دوسیه مربوطه به بهار را ارسال؛ پس از مطالعه اعاده می‌شود.

سند شماره ۱۹

ایالت خراسان - تاریخ ۱۳۱۵/۶/۱۴ - نمره ۲۸۴ - ضمیمه دارد - محرمانه

آقای معاون مدعی العموم ارتش

پاسخنامه شماره ۵۰ - مورخ ۱۳۱۵/۶/۴ [۱۳] راجع به دوسیه اتهامیه حاج شیخ احمدبهار اشعار می‌دارد: رونویس سوابق موجوده در بایگانی ایالتی راجع به شخص منظور لفا ارسال و تذکر می‌دهد که غیر از این نوشتجات پرونده دیگری در بایگانی دفتر موجود نیست.

از طرف والی ایالت خراسان [امضا] ۱۳۱۵/۶/۱۴

سند شماره ۲۰

تیمسار سرتیپ خلعتبری مدعی العموم ارتش

با کمال احترام به عرض می‌رساند: شوهر کمیته احمدبهار یک سال ونیم است از طرف لشکر شرق زندانی است. بعد از رسیدگیها تعیین تکلیف موکول به نظر مرکز گردید و نیز معاون مدعی العموم ارتش آقای سرهنگ کهن، مشهد که آمدند رسیدگی مجدد کردند. باز نظر قطعی را موکول به مرکز نمودند ولی تا حال خبری نشده است. چون کمیته و چهار اولاد صغیر به منتهی درجه در مضیقه و سختی از حیث معاش افتاده ایم و مبلغ خطیری مقروض شده ایم که بی محل است، تمنی دارم هیأتی را که برای رسیدگی به پرونده متهمین دیگر لشکر از مرکز به مشهد اعزام می‌شوند مأمور فرمایند که به پرونده زوج کمیته احمدبهار نیز رسیدگی و تکلیف قطعی او را تعیین نمایند.

[حاشیه]: خصوصی - گزارش شرف عرض از طرف سرکار معاون مدعی العموم تنظیم شده، ضمیمه پرونده بشود. [امضا]
۱۳۱۵/۱۰/۶

سند شماره ۲۱

وزارت جنگ - به تاریخ ۱۳۱۵/۱۰/۱۴ - نمره عمومی ۱۳۸۸۷

به شرف عرض

حسب الامر احمدبهار مدیر جریده بهار به اتهام مداخله در قضایای مشهد مورد تعقیب مستنطق دیوانحرب لشکر شرق واقع، پس از چندی توقیف و بازجویی های لازمه نظر به این که دلایلی در اثبات اتهام به دست نیامده بود؛ مستنطق به صدور قرار منع تعقیب درباره وی مبادرت، قرار مزبور مورد موافقت مدعی العموم؛ در موقع عرض گزارش مزبور از طرف فرمانده لشکر استدعا شده بود که پرونده عمل تحت نظر مأمورین شهربانی مشهد مجدداً مورد تعقیب تا در صورت به دست آوردن دلایلی در دیوانحرب محاکمه شود. پیشنهاد قرار مورد تصویب واقع؛ پرونده عمل تحت نظر مأمورین شهربانی قرار گرفته، پس از چندی از طرف مأمورین مزبور پارکه مختصری از قبیل ملاقات سیدمختار کاشی که پسرش یکی از متهمین غائله مزبور بوده است و دادن مبلغی به حاج حسین قمی به عنوان سهم امام و ملاقات آخر او با حاج حسین مزبور؛ مشارالیه را متهم دانست.

سند شماره ۲۲

وزارت جنگ - دائره نمره ۱ - ورقه تلگرافی

مشهد

لشکر، حسب الامر مقرر است احمدبهار که در زندان شهربانی مشهد زندانی است مرخص شود. در اجرای امر مبارک فوراً اقدام نمایند.

کفیل وزارت جنگ: سرلشکر فضلی

[نمره] ۱۱۱۷۳۹ - ۳۱۷۲۱ - [تاریخ] ۱۳۱۵/۱۲/۱۰

عطف به نمره ۱۷۳۱۸ سواد برای اطلاع اداره محاکمات و دعاوی ارتش ارسال می گردد.

کفیل وزارت جنگ: سرلشکر فضلی [امضا]

خاکپای اعلیحضرت اقدس محمدرضا شاه پهلوی خلدالله ملکه - خاکسار احمد نگارنده نامه بهار در مشهد که نامه‌ام معروف جهان و آثارم محبوب همه ایرانیان بوده در سال ۱۳۱۴ به سعایت محمدرفیع نوایی رییس شهربانی مشهد بیست ماه زندانی و بعد به واسطه اثبات بی‌گناهی با مساعدت شخص شخیص خود اعلیحضرت همایونی رها شدم ولی این گرفتاری سبب شد که نامه‌ام بی‌صاحب مانده و بیش از دو میلیون ریال بود نابود گردید و خودم از فلاکت روبه تهران آوردم و الآن در منتهی رنج و مشقت روز می‌برم و به واسطه مقروض ماندن در حدود چهارصد هزار ریال پیوسته گرفتار مأمورین ثبت و دادگستری و گاهی زندانی می‌شوم و تمام اینها در اثر آن شده که بیست ماه بی‌گناه به زندان افتاده و از وطن آواره گردیده‌ام. اینک که عدالت اعلیحضرت می‌خواهد شامل حال ایرانیان شود تمنایم این است که به وسیله وزرات فرهنگ و شهربانی اجازه انتشار نامه بهار را که بیست و پنج سال سابقه انتشار داشته و ثبات قدم و قدرت قلم به آن معروف است در تهران مرحمت فرموده و به ادارات تبلیغات و انتشارات دستور صادر شود که از دادن اعلانات و اطلاعات دریغ ندارند و این اطمینان را می‌توانم بدهم که نامه بهار در سازمان جدید کشور بتواند به سهم خود رضایت خاطر آن اعلیحضرت و قاطبه ملت را تحصیل و وظیفه [ای] را که در پرتو عدالت آن اعلیحضرت به عهده می‌گیرد با شرفانه انجام دهد. اعلیحضرت تا بنده آزاد کرده خود اعلیحضرت می‌باشم که در اسفند ۱۳۱۵ همسرم تلگرافی از مشهد به وسیله خودتان به شاهنشاه سابق مخابره و خود شما شخصاً مرا از زندان نجات دادید و این بنده به عهده گرفته‌ام که در برابر این مرحمت تا بتوانم به اعلیحضرت خدمت نمایم و البته با سوابق بنده می‌توانید مطمئن باشید که: می‌گویم و می‌آیمش از عهده بروم.

شرمسار: [امضای احمدبهار]

نشانی: مقابل خیابان شنی - کوچه قراولخانه - پلاک شماره ۴۵۹۱ - احمدبهار

[حاشیه]: دایره مطبوعات - عیناً از نظر مقام ریاست بگذرانید تا با نامه [ای] که از اداره تبلیغات رسیده، ملاحظه فرمایند.
[۱۳] ۲۰/۷/۱۳ [امضا]

[۲۷۳۱ - ۵۸۰۰۱]

مقام فرمانداری با احتشام نظامی تهران

این بنده احمدبهار مدیر نامه بهار که بی‌اندازه ستم‌دیده و در عین آوارگی از وطنم (مشهد مقدس) در تهران در مانده و بیچاره شده‌ام با طلوع ستاره سلطنت اعلیحضرت در مقام خدمت برآمده و می‌خواهم با موافقت کامل حضرت تیمسار اجازه انتشار نامه‌ام را در تهران از خاکپای همایونی خواستار شوم و عقیده‌ام بر این است که با سی سال سابقه روزنامه‌ام می‌توانم موفق به خدمت به میهن شده و استدعا کنم عریضه‌ام را به عرض اعلیحضرت همایونی برسانید.

[امضای احمدبهار]

[۲۷۳۱ - ۵۸۰۰۱]

فرمانداری نظامی تهران - شماره ۵۰۱۸ - تاریخ ۱۳۲۰/۶/۳۱ - پیوست ۲ برگ

جناب آقای وزیر فرهنگ

آقای احمدبهار نامه [ای] به این فرمانداری نوشته و درخواست کرده است که برای تجدید انتشار روزنامه بهار در تهران که پیش از این در مشهد منتشر می شده است با او مساعدت شود و عریضه [ای] هم به پیشگاه مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاهی عرض کرده است که به وسیله این فرمانداری تقدیم می گردد. عین هر دو فقره را تلوأ ملاحظه خواهند فرمود. متمنی است قدغن فرمایند با اعاده ضمائم نظر وزارت فرهنگ را به این فرمانداری زودتر اعلام دارند که به شرف عرض پیشگاه مبارک برسد.

فرماندار نظامی تهران: سیهبد (احمد امیر) احمدی (امضا)

[حاشیه ۱]: عیناً به اداره کل انتشارات و تبلیغات فرستاده می شود تا اظهار نظر فرمایند. رییس اداره کل نگارش [۱۳]۲۰/۷/۱

[حاشیه ۲]: عیناً به عرض مقام ریاست می رساند. ۱۳۲۰/۷/۳

[حاشیه ۳]: بنده شخصاً مدیر روزنامه بهار را می شناسم. کاملاً شایستگی روزنامه نویسی را دارد و به نظر بنده هیچ مانعی ندارد که او روزنامه خود را منتشر ساخته یا روزنامه دیگری را بنویسد. [امضا] ۱۲ مه‌رمه ۱۳۲۰

[۲۷۳۱ - ۵۸۰۰۱]

شماره سند ۲۶

[تاریخ] [۱۳]۲۰/۶/۳۱ - [شماره] ۴۰۰۱

وزارت فرهنگ - اداره نگارش

روزنامه بهار که از روزنامه های معروف کشور به شمار می رود و سالیان دراز به مدیریت این بنده احمد در مشهد انتشار می یافت و از سال ۱۲۹۷ تا سال ۱۳۱۴ بدون داشتن کوچکترین پرونده خلافی در وزارت فرهنگ منتشر بود در سال مزبور برخلاف قوانین مورد سخت کارکنان شهربانی مشهد شده و بدون آنکه کمترین ایرادی بر آن وارد باشد تعطیل و توقیف گردید. اینک که نسیم آزادی وزیده و مرد دانشمند و وزیده به مقام وزارت فرهنگ برگزیده شده است تصمیم دارم که آن را در تهران منتشر نمایم. بنابراین مقام وزارت و اداره انطباعات را مطلع ساخته و امیدوارم در پیشرفت و ترویج آن مساعدت فرموده و یقین داشته باشند با سابقه ۲۳ ساله و اطلاع تمام اهالی کشور به رشد و صلاحیت روزنامه مزبور بتواند در سازمان جدید کشور خدمات مهمتر انجام دهد.

[۱۳]۲۰/۶/۳۰ - مدیر نامه بهار: [امضای احمدبهار]

نشانی: خیابان آتشکده - مقابل خیابان علایی - کوچه قراولخانه - درب آخر - دست چپ. [امضای احمدبهار]

[۲۷۳۱ - ۵۸۰۰۱]

وزارت فرهنگ - شماره خصوصی ۴۳۸۵ - تاریخ خروج ۲۰ مهر ۱۳۲۰ [۱]

مقام وزارت

یکی از روزنامه‌نگارانی که برای انتشار روزنامه خود به مقامات مختلفی مراجعه نموده و در مقام کسب اجازه برآمده است؛ آقای احمدبهار می‌باشد که روزنامه ایشان به نام «بهار» سالیان دراز در مشهد منتشر شده و چندی دچار تعطیل گشته است. اکنون در نظر دارد روزنامه خود را در تهران منتشر نماید. فرمانداری تهران نظر وزارت فرهنگ را خواسته و اداره تبلیغات نیز در ضمن نامه‌ای با نشر این روزنامه موافقت کرده است. بنابراین چون اداره نگارش هم در این باب نظر مخالفی نداده مراتب را به عرض می‌رساند تا اگر مقتضی بداند به شورای عالی فرهنگ ارجاع و در صورت تصویب روزنامه وی منتشر گشته و جریان امر هم به همین ترتیب به فرمانداری نظامی نوشته شود.

[امضا]

[۲۷۳۱ - ۵۸۰۰۱]

خصوصی و محرمانه و مستقیم - [تاریخ] ۲۴ آذر ۱۳۲۰ [۱] - [شماره] ۳۷۰۴۵

دانشمند معظم جناب آقای تدین وزیر بصیر فرهنگ دامت برکاته

بنده با آنکه راه وطنم آنقدرها با وطن حضرتت دور نیست و اهل یک استان هستیم و از طرفی در اول افزاشته شدن لوای آزادی به مناسبت هم حزبی رابطه نزدیکتری داشتیم نمی‌دانم چه شده است که نتوانسته‌ام خود را به حضرتت معرفی نموده از برکات محبت و عاطفت حضرتت برخوردار شوم. اینک با کوشش بسیار برای اختصار معروض می‌دارم که بعد از سی‌چهار سال آزادیخواهی دوره گذشته مثل همه برای بنده هم ناگواریهای بسیار روی داد که از آن جمله بیست ماه زندانی شدن و از بین رفتن هستی و نابود شدن قسمتی از خانواده‌ام بود ولی برای همه اینها بهانه‌هایی تراشیده بودند اما روزنامه‌ام هیچ‌گونه گناهی نداشت زیرا تا مدت‌ها که خود بنده زندانی بودم با موافقت با اوضاع وقت منتشر می‌شد. سرهنگ نوایی رییس شهربانی گفته بود حال که خود فلانی زندانی است چرا روزنامه منتشر شود؟ کارکنان بنده را خواسته و گفته بود تعطیل کنید. بعد از تحمل خسارتها و نجات یافتن از زندان و ماندن پنج سال در تهران و تبرئه کامل از همه جهت مکرر تقاضای انتشار نامه خود را نموده‌ام. در عین آنکه همه می‌گفته‌اند مانعی قانونی ندارد، باز مانع انتشار بوده‌اند. اخیراً به وسیله فرمانداری نظامی عریضه به حضور اعلیحضرت همایونی و نامه به وزارت فرهنگ نگاشتم. نامه دربار را هم به وزارت فرهنگ فرستادند ولی از طرف آقای دکتر صدیق جوابی نرسیده و بنده سرگردان ماندم. اینک که بندگان اجل عالی با سوابق ممتد آزادیخواهی و نامه‌نگاری وزارت فرهنگ را تحت اختیار دارید محترماً دنباله عریض خود را گرفته استدعا دارم اجازه فرمایید نامه بنده را مانع انتشارش نباشند و برای همیشه مخلص را رهن امتنان فرمایید و ضمناً اطمینان داشته باشید که نامه بهار پیرو افکار عالی و نیات میهن پرستانه و شاهانه خواهد بود.

صاحب روزنامه بهار: [امضای احمدبهار]

نشانی: وزارت کشور - دفتر اطلاعات - احمدبهار.

[حاشیه]: دایره مطبوعات - به نظر مقام ریاست برسانید. ۲۶/۹/۲۰ [۱۳]

[۲۷۳۱ - ۵۸۰۰۱]

وزارت فرهنگ - اداره کل نگارش - دایره مطبوعات - شماره خصوص ۶۸۷۲ - تاریخ تحریر
سیزدهم بهمن ماه ۱۳۲۰ - تاریخ خروج ۲۰/۱۱/۲۳ [۱۳]

مقام وزارت

آقای احمدبهار در سال ۱۳۳۵ [ق] موفق به اخذ امتیاز روزنامه بهار می شود که مسلک آن ادبی - سیاسی بوده و پس از آنکه چندین سال روزنامه را در مشهد منتشر می نماید، چندی تعطیل کرده اینک درخواست می نماید به ایشان اجازه داده شود روزنامه خود را در تهران چاپ و منتشر کند. مراتب به استحضار خاطر مبارک معروض و پرونده مربوط به ضمیمه تقدیم می گردد تا چنانچه اجازه فرمایند به شورای عالی فرهنگ ارجاع شود.

[امضا]

[۵۸۰۰۱ - ۲۷۳۱]

وزارت فرهنگ - اداره کل نگارش - تاریخ ۲۰/۱۲/۴ [۱۳]

- چون آقای احمدبهار فرزند آقای محمدکاظم دارای شناسنامه شماره ۱۳۳۵۸ صادره از مشهد درخواست امتیاز روزنامه به نام «بهار» نموده است که در تهران چاپ و منتشر نماید وزارت فرهنگ بر طبق فصل سوم قانون مطبوعات مشارالیه را مجاز در چاپ و نشر روزنامه می داند.
- ۱- در موقع چاپ و نشر روزنامه نامبرده دارنده امتیاز مکلف است کاملاً مواد قانون مطبوعات را رعایت نماید.
 - ۲- بدون تصویب وزارت فرهنگ حق واگذار کردن امتیاز خود را به دیگری ندارد.
 - ۳- در صورتی که از تاریخ صدور این امتیاز تا مدت شش ماه صاحب امتیاز به واسطه مانعی موفق به انتشار [روزنامه] نامبرده نشود باید به وزارت فرهنگ رجوع نموده تجدید امتیاز نماید.
 - ۴- روش روزنامه نامبرده سیاسی - ادبی خواهد بود.
 - ۵- چون صاحب امتیاز و مدیر مسئول آقای احمدبهار می باشد به موجب ماده (۷) قانون مطبوعات باید در بالای صفحه اول هر شماره در مقابل عنوان صاحب امتیاز و مدیر مسئول نام خود را چاپ و هیچ وقت این دو عنوان را از یکدیگر تفکیک ننموده و مدیریت مسئول را به شخص دیگری واگذار نکند.
 - ۶- از هر شماره در موقع انتشار سه نسخه به وزارت فرهنگ و دو نسخه به کتابخانه ملی بفرستد.
 - ۷- در صورت تخلف از هر یک از شرایط مذکور وزارت فرهنگ حق دارد امتیاز نامبرده را لغو نماید.

اداره کل نگارش - وزارت فرهنگ

این جانب صاحب امتیاز و مدیر مسئول تعهد می نمایم طبق شرایط بالا رفتار نمایم:

[امضای احمدبهار]

[۵۸۰۰۱ - ۲۷۳۱]

سند شماره ۳۱

وزارت فرهنگ - اداره کل نگارش - شماره ۴۹۸۴۹/۷۸۳۰ - تاریخ ۴ اسفند ۱۳۲۰ [۱]

آقای احمدبهار

با انتشار روزنامه بهار که مسلک آن: سیاسی - ادبی می باشد توسط شما که صاحب امتیاز و مدیر مسئول آن هستید در تهران موافقت می شود.
وزیر فرهنگ
رونوشت به مقام نخست وزیری تقدیم می شود.
وزیر فرهنگ: [امضای سید محمد تدین]
[۹۹۰ - ۱۰۸۰۰۲]

سند شماره ۳۲

روزنامه بهار - صاحب و مؤسس: احمدبهار^۱

محترماً اشعار می دارد: روزنامه بهار بعد از این مستقل است و ارگان حزب پیکار نخواهد بود. نامه ها و آگهی های مربوط به این روزنامه [را] تا تعیین محل جدید اداره به خود این بنده در وزارت کشور برسانند.
مؤسس و صاحب امتیاز بهار: احمدبهار
[۲۷۳۱ - ۵۸۰۰۱]

۱. این سند فاقد تاریخ و شماره می باشد اما در حاشیه سند مهر ورود دفتر اداره نگارش تاریخ ۱۳ مرداد ۱۳۲۱ [۱] به شماره ۲۸۲۸ را نشان می دهد.

سند شماره ۳۳

روزنامه بهار - صاحب و مؤسس: احمدبهار - تاریخ ۲۹/۵/۲۱ [۱۳]

تصدقت کردم!

نخواستهم در این هنگام که محور سعادت کشور هستید بیهوده دقیقه و ساعتی را تلف نمایم. اینک عرایض خود را در این منحصر گنجانیده انتظار بدل توجه دارم و نیز برای یک عرض خصوصی تری در فارغ ترین اوقات استدعای شرفیابی دارم. وقت و محل آن را مقرر فرمایید اعلام دارند.

صاحب روزنامه بهار [امضای احمدبهار]

نشانی: ناصریه - کوچه دکتر مسعودخان.

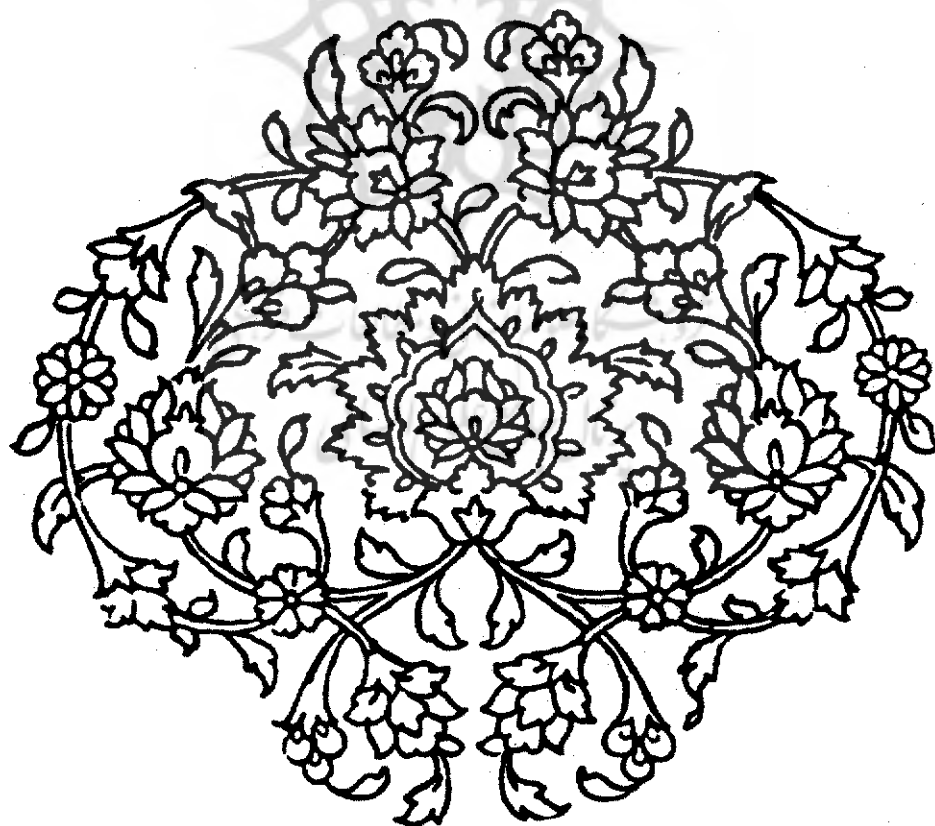
[۶۶۲۸ - ۱۰۳۰۰۵]

دفتر نخست وزیر - تاریخ ثبت ۲۱/۶/۷ [۱۳]

آقای احمدبهار مدیر روزنامه بهار

نامه بیست و نهم مرداد ماه به ضمیمه نمرات روزنامه بهار واصل و مندرجات آن با کمال دقت مطالعه شد. از حسن نظری که نسبت به این جانب ابراز داشته‌اید. ممنونم. مسائلی را که در ضمن مقالات اشاره نمودید مورد توجه کامل دولت این جانب می‌باشد و امیدوارم بتوانم با همکاری افراد کشور بخصوص جراید که در این موقع باریک کمک مؤثری می‌توانند در موفقیت کارها نمایند از انجام آنها توفیق حاصل نمایم. نسبت به تأمین کاغذ روزنامه‌ها و توزیع عادلانه آگهی موضوع مورد بررسی می‌باشد و قریباً از نتیجه آن اطلاع حاصل خواهید نمود. برای ملاقات این جانب دستور داده شد دفتر وقتی تعیین و به شما اطلاع داده شود.

[۶۶۲۸-۱۰۳۰۰۵]



۱۳۲۷ / ۱۵۲۷

روزنامه بهار

۱۳۲۵



وزارت اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

سواد و به خط توقیف ایستادگی

تاریخ ثبت ۳۰ آذر ۱۳۲۷

نفره

اداره تنظیم مراسم

نظر اینکه مکرر به روزنامه بهار مصیبت درده شده است که مقلد روزنامه
 خود را بمناسبت اقصای وقت و موق آهسته و از باره تند رویا که مخالف
 مقتضات مجلس است اصرار جدید و مجدداً بکنه کردار باجوراء و نفاق حقوق
 لغوه نموده و پیر از چندی تعهدات خود را نقض نموده است لهذا غده
 بشود شایسته را از طبع و انت ز روزنامه ممنوع در روزنامه بهار در
 تدقیق نموده و بدل این رقم را با اطلاع ادب رسانید قولم ۱ - ندرت

آقای کسری

سود در رقم ایالت کبر در رابع بدقت روزنامه که به بهار ایالت
 در این مدارم که بدل این رقم را بجمع اجرا که در بد ز طرف نشر
 مکرر شدت تنظیم مراسم شدت

۶۱۹



شماره عمومی
شماره خصوصی ۶۸۷۴

..... نوع پیش نویس
..... موضوع پیش نویس
..... ضمیمہ
..... مسئول پاکت نویس

وزارت فرہنگ
ادارہ انگریزی
دائرہ بطوریکہ شعبہ



تاریخ تحریر ۱۳۴۵ تاریخ ثبت تاریخ خروج ۳۰/۱/۴۳

تعمیر وزارت

کہہ امر ۱۳۴۵ میں بنیادیں روزانہ ہمارے اخبار میں آئی ہیں۔
پہلے پورے آٹھ پینے لے روزانہ ہمارے اخبار میں آئی ہیں۔
میں نے ان کے بارے میں لکھی ہے۔
میں نے ان کے بارے میں لکھی ہے۔

۱۱۱
۱۱۱
۱۱۱



وزارت فرهنگ

اداره

دائرة

شعبه

ن - ۵

۶۱۶

نوع پیش نویس

موضوع پیش نویس

ضمیمه

مسئول باکنویس

تاریخ خروج ۲۰/۱۰/۴۷

شماره عمومی

شماره خصوصی ۳۳۸۵

تاریخ تحریر ۱۳/۷/۹۷

تاریخ ثبت

مقام وزارت

محترم سرکار
 در روزنامه گفتار اینکه برای این روزنامه خود مجامع و
 مراجع محترم در مقام کتب اجاره برآید است. این امر چهار ماه
 در روزنامه این بنام «گفتار» سابقه دارد در هر روز منتشر
 و بسیار مفید و جاد نظر گشته است. اکنون در نظر وارد
 روزنامه خود در آراء منتشر خواهد فرمایند برای این
 وزارت فرهنگ و خواسته و ادارات تعلیمات نیز در نفس
 با نظر این روزنامه موافقت گشته است. تا کمال
 چون اول گفتار در این باب نظر می‌گردد آراء
 برآید و بعضی موارد تا اگر تصدیق در این
 برآید عالی فرهنگ در صورت کتب در روزنامه
 وی منتشر گشته و نظیر این هم به این ترتیب
 لطفاً تکرار گشته است.

۲۹/۱۰/۴۷